

به نام خدا

تحولات ژئوپلیتیک انرژی در حوزه خزر

فهرست مطالب

| | |
|--|----|
| چکیده | ۱ |
| مقدمه | ۱ |
| ۱. ارزیابی تحولات جدید | ۳ |
| ۱-۱. توافقات ایران و ترکمنستان | ۳ |
| ۱-۲. توافقات روسیه و ترکمنستان | ۷ |
| ۱-۳. تحولات سیاست خارجی جمهوری آذربایجان | ۱۰ |
| ۲. معماری نوین سیاست انرژی در حوزه خزر | ۱۶ |
| نتیجه‌گیری | ۱۸ |
| منابع و مآخذ | ۱۹ |

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۲۰۲

اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹

دفتر: مطالعات سیاسی



تحولات ژئوپلیتیک انرژی در حوزه خزر

چکیده

منطقه دریای خزر طی چند ماه اخیر شاهد تحولات مهمی در حوزه انرژی بوده است. از جمله مهمترین این تحولات می‌توان به افتتاح خط لوله دوم صادرات گاز ترکمنستان به ایران، عرضه مجدد گاز ترکمنستان به روسیه و تحولات سیاست خارجی منطقه‌ای آذربایجان که به توسعه همکاری این جمهوری با ایران و روسیه در بخش انرژی منجر شده است اشاره کرد. این گزارش با تشریح مجموعه این تحولات تأکید می‌کند که ترتیبات جدیدی در حوزه انرژی خزر شکل گرفته که بر تضعیف جایگاه غرب و تقویت موقعیت بازیگران سنتی منطقه به‌ویژه ایران و روسیه دلالت دارد.

مقدمه

منطقه دریای خزر به‌واسطه برخورداری از منابع غنی انرژی به‌ویژه نفت و گاز از اهمیت استراتژیک در معادلات جهانی برخوردار است. این اهمیت به‌واسطه رشد شتابان افزایش تقاضای جهانی انرژی به‌طور روزافزونی در حال افزایش است. در واقع بخش عمده‌ای از توجهات نسبت به این منطقه از سوی بازیگران مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی متأثر از موقعیت ژئواکونومیک حساس آن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین حوزه‌های نفت و گاز در جهان است.



در همین حال موضوع چگونگی انتقال این منابع به بازارهای جهانی از دیگر موضوعات مهمی است که از ابتدای معرفی منطقه خزر به‌عنوان یک منبع عمده انرژی جهان مطرح بوده است. به‌ویژه در دهه ۹۰ میلادی و همزمان با برآوردهای جدید از ظرفیت انرژی منطقه، طرح‌ها و پروژه‌های مختلفی در زمینه انتقال انرژی منطقه از سوی هر یک از بازیگران مؤثر در معادلات خزر ارائه شد که در بسیاری موارد با ملاحظات و محاسبات سیاسی آنها نیز ارتباط نزدیکی داشت. از یک‌سو بازیگران غربی به رهبری آمریکا در تلاش برای ترانزیت منابع انرژی خزر از مسیرهایی بودند که با نادیده انگاشتن منافع کشورهای چین روسیه و ایران طراحی می‌شد و از سوی دیگر بازیگرانی چون روسیه در تلاش برای حفظ هژمونی خود در منطقه ضمن مخالفت با طرح‌های مورد حمایت غرب، به‌دنبال مسیرهای مورد نظر خود برای انتقال انرژی خزر و کاهش دخالت بازیگران غربی در ترتیبات انرژی این منطقه بودند. براساس این موضوع چگونگی انتقال نفت و گاز خزر به بازارهای جهانی محرکی برای تشدید رقابت ژئوپلیتیکی در این حوزه بوده است. این رقابت هم بر تحولات منطقه تأثیر گذاشته و هم از آنها تأثیر می‌پذیرد. گاه تحولات منطقه در راستای تقویت و تثبیت و گاه در جهت تضعیف طرح‌های مورد نظر یک طرف رقابت رقم خورده است. در سال‌های پس از فروپاشی شوروی موضوعاتی چون مناقشه قره‌باغ، رقابت روسیه و آمریکا، رژیم حقوقی دریای خزر، ظهور و افول الگوی انقلاب‌های رنگی در منطقه و منازعه روسیه و گرجستان از جمله تحولات تأثیرگذار بر معادلات انرژی در حوزه خزر بوده‌اند، تحولاتی که مستقیماً به موضوع انرژی خزر مربوط بوده‌اند نظیر توافقات مربوط به مسیرهای جدید انتقال انرژی نیز ژئوپلیتیک خطوط لوله را در

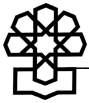


منطقه تحت تأثیر قرار داده‌اند. از این رو سنجش موقعیت بازیگران درگیر در معادلات انرژی حوزه خزر و بررسی موازنه قدرت موجود در منطقه، نیازمند ارزیابی مکرر تحولات حادث در منطقه است. در همین راستا تحولات ماه‌های اخیر در منطقه مؤید شکل‌گیری شرایط و روندهای جدید در حوزه مسائل انرژی خزر است که به اعتبار اهمیتشان از منظر منافع ملی، نیاز به بررسی و تبیین دقیق دارند. به‌ویژه آنکه اهمیت این تحولات ازسوی کارشناسان و تحلیلگران در قالب عباراتی چون «ترسیم مجدد نقشه انرژی منطقه» و «معماری جدید انرژی خزر» مورد اشاره قرار گرفته است. آنچه در پیگیری تحولات اخیر منطقه حائز اهمیت است مربوط به تأثیری است که این تحولات بر بهبود موقعیت انرژی بازیگران سنتی منطقه همچون روسیه و ایران و به چالش کشیدن منافع بازیگران غربی به‌ویژه آمریکا داشته است. از جمله مهمترین تحولات می‌توان به افتتاح خط لوله جدید ایران و ترکمنستان، چرخش آذربایجان به سمت روسیه در حوزه انرژی و فاصله نسبی از آمریکا و به‌ویژه ترکیه و نیز همکاری‌های روسیه و ترکمنستان در زمینه گاز اشاره کرد. در این گزارش هر یک از این تحولات به‌ویژه از منظر تأثیر آنها بر صف‌آرایی موجود در منطقه و حوزه خزر و رقابت‌های منطقه‌ای مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. ارزیابی تحولات جدید

۱-۱. توافقات ایران و ترکمنستان

در اواسط دی‌ماه ۱۳۸۸ با حضور رؤسای جمهوری ایران و ترکمنستان خط لوله دوم صادرات گاز ترکمنستان به ایران افتتاح شد. با افتتاح خط لوله گاز دولت‌آباد - سرخس -



خانگیران حجم سالیانه انتقال گاز ترکمنستان به ایران حدود دو برابر افزایش می‌یابد. حوزه گازی دولت‌آباد ترکمنستان یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های گازی این کشور محسوب می‌شود و هم‌اکنون در این میدان بیش از ۳۰۰ حلقه چاه فعال است.

خط لوله ۱۸۲ کیلومتری گاز ایران و ترکمنستان به‌طور میانگین با پمپاژ هشت میلیارد مترمکعب گاز آغاز به‌کار می‌کند اما ظرفیت سالیانه آن بیست میلیارد مترمکعب است و می‌تواند نیاز ایران به گاز را در مناطق شمالی خود برطرف کرده و تهران را قادر سازد که تولید گاز خود در حوزه‌های جنوبی را برای صادرات اختصاص دهد.

در مقابل، افتتاح این خط لوله برای ترکمنستان نیز منافع مهمی به همراه دارد. عشق‌آباد یک بازار مطمئن را برای گاز صادراتی خود به‌دست آورده است و مناطق شمالی ایران نیز می‌توانند بدون نگرانی از کمبود گاز در فصل زمستان از منابع ترکمنستان استفاده کنند. ازسوی دیگر درحالی که ایران قادر به تولید گاز بیشتری برای صادرات خواهد بود، ترکمنستان نیز می‌تواند از طریق ایران در جستجوی مسیرهای جدید برای انتقال گاز خود به بازارهای جهانی باشد. هم‌زمان ایران می‌تواند از موقعیت جغرافیایی برجسته خود به‌عنوان کانون صادرات گاز ترکمنستان استفاده نماید.^۱

بدین ترتیب افتتاح خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به ایران مزایای قابل توجه و چشمگیری برای هر دو کشور به همراه دارد و به اعتقاد تحلیلگران افتتاح این خط لوله می‌تواند در آینده ایران را به مسیر مطمئن صادرات گاز ترکمنستان تبدیل کند. از این رو است که راه‌اندازی این خط لوله تحولی مهم در معادلات انرژی منطقه قلمداد شده است.

1. MK Bhadrakumar, "Russia, China, Iran Redraw Energy Map", Asia Times, January 8, 2010.



از آنجایی که ترکمنستان دارنده یکی از بزرگترین ذخایر گاز جهان است از اهمیت بالایی در محاسبات جهانی انرژی برخوردار شده است. براساس این گزینه‌های مربوط به نحوه انتقال انرژی این کشور نیز اهمیت زیادی پیدا کرده است. اکنون این بحث قوت گرفته است که افتتاح خط لوله دوم گاز ترکمنستان به ایران می‌تواند انتقال گاز این جمهوری به بازارهای جهانی را از طریق ایران و سپس ترکیه در آینده میسر سازد. در واقع افزایش حجم گاز صادراتی ترکمنستان به ایران می‌تواند ترکیه را به‌عنوان همسایه شمال غربی کشورمان به دریافت گاز ترکمنستان از ایران یا حتی مازاد گازی که به‌واسطه افتتاح این خط لوله برای ایران ایجاد خواهد شد علاقه‌مند کند.

تحولات سیاست خارجی ترکیه در چند سال اخیر محرکی برای این علاقه‌مندی است. ترکیه در حال حاضر در حال اجرای یک استراتژی جدید دیپلماتیک است که بر توسعه نفوذ این کشور در خاورمیانه و آسیای مرکزی تأکید دارد. با توجه به موقعیت استراتژیک ترکیه که همچون پلی میان اروپا و آسیا واقع شده است، مقامات این کشور به دنبال تبدیل ترکیه به یک مرکز کلیدی انتقال انرژی روسیه، آسیای مرکزی و ایران به اروپا هستند. برطبق برخی گزارش‌ها ایران قراردادی با ترکیه دارد که بر طبق آن گاز ترکمنستان از طریق یک خط لوله ۱۳۰۰ مایلی که از تبریز به آنکارا امتداد دارد به ترکیه عرضه می‌شود.

با توجه به نیاز استراتژیک اروپا به انرژی گاز، انتظار می‌رود که اجرای این سناریو با استقبال کشورهای اروپایی روبرو شود به‌ویژه آنکه اتحادیه اروپا موضوع متنوع‌سازی منابع تأمین انرژی را به‌عنوان یک اولویت مهم در دستور کار خود قرار داده است. افزایش جریان انتقال گاز ترکمنستان از طریق ایران و ترکیه در زمانی که



اروپا در تلاش برای کاهش وابستگی خود به عرضه گاز روسیه می‌باشد به نفع کشورهای این قاره است.^۱ براساس چنین محاسباتی است که راه‌اندازی خط لوله دوم گاز ترکمنستان به ایران تحولی مهم در معادلات انرژی منطقه قلمداد می‌شود.

این خط لوله جدا از ابعاد اقتصادی به‌لحاظ سیاسی نیز واجد اهمیت است. بسیاری از کارشناسان معتقدند که افتتاح این خط لوله به ایران کمک می‌کند تا غرب را به چالش بکشد.^۲ سیاست‌های انرژی آمریکا در قبال انرژی حوزه خزر در سراسر سال‌های پس از فروپاشی شوروی براساس محروم کردن ایران از فرصت‌های ناشی از ترسیم خطوط لوله انتقال نفت و گاز منطقه شکل گرفته است. از این منظر افتتاح خط لوله اخیر میان ترکمنستان و ایران و پیروزی سیاسی مهمی برای ایران شکستی برای آمریکا محسوب می‌شود. به تعبیر یکی از نویسندگان «آسیا تایمز»، این خط لوله سیاست آمریکا در مورد ایران را مورد استهزا قرار داده است. آمریکا در حال تهدید ایران به اعمال تحریم‌های جدید است و ادعا می‌کند که تهران به‌طور فزاینده‌ای منزوی شده است. اما حضور احمدی‌نژاد در ترکمنستان و شکل‌گیری یک محور اقتصادی جدید چنین ادعایی را رد می‌کند.^۳ موقعیت مهم ایران در معادلات جهانی گاز به‌واسطه احداث خط لوله جدید تقویت شده است و این امر می‌تواند در آینده پیامدهای مهمی برای آمریکا به همراه داشته باشد. اروپایی‌ها متحد سیاسی آمریکا هستند و در بحث تحریم ایران در کنار آمریکا قرار می‌گیرند اما تصمیم استراتژیک اتحادیه اروپا درخصوص رهایی از وابستگی به گاز روسیه محرک قدرتمندی برای نادیده گرفتن تحریم‌ها خواهد بود. در این‌صورت افتتاح

1. "Iran Redraws Energy Map to Defy U.S", United Press International, January 14, 2010.

2. Ibid.

3. Bhadrakumar, Op.Cit.



خط لوله ایران و ترکمنستان حتی می‌تواند چالش بالقوه‌ای برای روسیه هم به حساب آید. آنچه برای روسیه بیشترین اهمیت را دارد این است که نقش مسلط آن به عنوان تأمین‌کننده شماره یک انرژی اروپا تضعیف نشود. پروژه‌هایی نظیر خط لوله ایران و ترکمنستان شاید نتوانند این موقعیت مسلط را به یک موقعیت فرعی تبدیل کنند، اما قطعاً با کاهش وابستگی اروپا به روسیه قادرند چالشی برای آن فراهم سازند. با در نظر گرفتن مجموعه این واقعیات و احتمالات، می‌توان احداث خط لوله دوم انتقال گاز ترکمنستان به ایران را تحولی مهم در معادلات انرژی منطقه قلمداد کرد.

۲-۱. توافقات روسیه و ترکمنستان

ترکمنستان به‌طور سنتی بیشتر گاز خود را به روسیه منتقل می‌کند. در سال ۲۰۰۳ بین دو کشور قرارداد همکاری در بخش گاز امضا شده بود که تا سال ۲۰۲۸ عرضه گاز ترکمنستان به روسیه را تضمین می‌کرد. اما در ماه آوریل ۲۰۰۹ به‌علت انفجار در بخشی از خط لوله‌ای که از ترکمنستان می‌گذرد، عرضه گاز این کشور به روسیه قطع شد. به‌دلیل بروز پاره‌ای مشکلات و اختلافات مسئله عرضه مجدد گاز از ترکمنستان، برای مدتی حل نشده باقی ماند. تا پیش از این رویداد، عشق‌آباد سالیانه ۵۰ میلیارد مترمکعب گاز به روسیه صادر می‌کرد که بیش از دوسوم استخراج این جمهوری و تقریباً یک‌دهم استخراج شرکت روسی گاز پروم را تشکیل می‌داد. ازسوی دیگر اختلاف دیرینه دو کشور بر سر قیمت گاز روابط انرژی «ویژه» آنها را دچار مشکلاتی کرده بود.^۱ در نتیجه روسیه اقدام به واردات گاز طبیعی خود از ترکمنستان

1. Regis Gente, "Turkmenistan: Western Firms Shut Out From Development Deals", Eurasia Insite, 1/4/2010.



را تقریباً به نصف کاهش داد. این امر هرچند ممکن بود از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر باشد اما روس‌ها را نگران این موضوع می‌کرد که ترکمنستان با روی آوردن به مشتریان جدید و پیگیری دیگر طرح‌های انتقال گاز به بازارهای جهانی (از جمله ناباکو) موقعیت خاص مسکو در معادلات انرژی منطقه را به چالش بکشد. از این رو مقامات رسمی در صدد برآمدند تا با اتخاذ تصمیمات و توافقات جدید مشکلات فرآروی دو کشور در بخش انرژی را حل کنند.

در همین راستا دیمیتری مدودف رئیس‌جمهور روسیه در جریان دیدار خود از عشق‌آباد در دسامبر ۲۰۰۹ تلاش کرد تا روابط دو کشور در این حوزه را احیا کرده و به حالت عادی بازگرداند.

این سفر با موفقیت همراه بود چرا که در جریان آن، قراردادی برای عرضه ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان به روسیه به امضای طرفین رسید. به‌دنبال این قرارداد، انتقال گاز ترکمنستان که به‌دلیل انفجار در خطوط لوله قطع شده بود از سر گرفته شد.

به اعتقاد کارشناسان و تحلیلگران احیای روابط با ترکمنستان موفقیت بزرگی برای هر دو کشور است. اول آنکه، روابط رو به افول دو کشور در بخش انرژی به‌طور اساسی در حال بازگشت به شرایط مطلوب است. دوم، با استناد به سخنان مدودف، برای اولین بار در تاریخ روابط روسیه و ترکمنستان، عرضه گاز براساس فرمول قیمتگذاری صورت خواهد گرفت که کاملاً مطابق با شرایط بازار گاز در اروپاست. البته برخی کارشناسان به‌ویژه تحلیلگران روسی اعتقاد دارند که خرید گاز ترکمنستان با قیمت بالاتر از آنچه شرکت گاز پروم پیشنهاد داده بود غیرسودآور

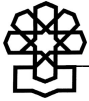


است. با این حال این سیاست عمدتاً براساس این تصمیم اتخاذ شده است که گاز ترکمنستان از طریق خطوط لوله جایگزین و بیش از همه از طریق پروژه ناپاکو که مورد حمایت آمریکاست به بازارهای جهانی منتقل نشود.^۱

البته ترکمنستان نیز تلاش داشته است تا با رهایی از وابستگی به روسیه در زمینه عرضه گاز، گزینه‌های صادرات خود را متنوع سازد. ساخت خط لوله انتقال گاز به چین و همچنین ایران در همین راستا صورت گرفته است. به عقیده کارشناسان، ترکمنستان در حال اجرای «استراتژی شرق»^۲ برای صادرات گاز طبیعی خود است. در اوایل دسامبر ۲۰۰۹، ترکمنستان یک مسیر جدید صادرات به چین را افتتاح کرد که حرکتی در جهت متنوع‌سازی گزینه‌های عرضه گاز بود. همچنان‌که در بخش قبلی گزارش تشریح شد ترکمنستان اخیراً خط لوله دوم گاز خود به ایران را نیز افتتاح کرده است. این اقدامات به‌منظور کاهش وابستگی به روسیه در زمینه صادرات گاز صورت می‌گیرد اما نباید از نظر دور داشت که عشق‌آباد در پیگیری سیاست‌ها و ملاحظات خود تمایلی به آزردن ساختن روسیه ندارد.

توافق اخیر ترکمنستان با مسکو در زمینه صادرات گاز در همین راستا قابل تعریف است. نکته دیگر آنکه عشق‌آباد خط لوله چین را جایگزینی برای گاز پروم نمی‌داند. سیاست قیمتگذاری موجبات رضایت ترکمنستان را فراهم کرده است. قیمت گاز صادراتی ترکمنستان که به چین فروخته خواهد شد هنوز مورد بحث و مذاکره است و به اعتقاد کارشناسان قیمت توافقی به آسانی با پیشنهاد روسیه قابل رقابت نخواهد بود.

1. Bhadrakumar, Op.Cit.
2. Gente, Op.Cit.



به همین دلیل روسیه در آینده قابل پیش‌بینی موقعیت خود را به‌عنوان مهمترین دریافت‌کننده گاز ترکمنستان حفظ خواهد کرد.

۳-۱. تحولات سیاست خارجی جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان در ماه‌های اخیر در حوزه انرژی سیاست‌هایی را اتخاذ کرده و بر مبنای آن توافقاتی را با کشورهای دیگر به‌عمل آورده که در معادلات منطقه‌ای اهمیت بالایی دارند. از جمله آنها می‌توان به توافقات این جمهوری با روسیه اشاره کرد. شرکت روسی گاز پروم و همتای آذری آن سوکار^۱ در ۲۱ ژانویه اعلام کردند که گاز پروم ظرف دو سال آینده خرید گاز از آذربایجان را به‌طور چشمگیری افزایش خواهد داد. در توافق دیگری که سال گذشته به امضا رسید اشاره شده بود که گاز پروم ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز را در سال ۲۰۱۰ از شرکت سوکار خریداری خواهد کرد.

اما پس از برگزاری جلسه‌ای میان نماینده شرکت گاز پروم و نماینده سوکار، طرف روسی اعلام کرد که امسال یک میلیارد مترمکعب از گاز سوکار را خریداری کرده و دو میلیارد مترمکعب را نیز در سال ۲۰۱۱ خریداری خواهد کرد. در پی این دیدار نماینده گاز پروم این وعده را تکرار کرد که به هر اندازه که شرکت سوکار قادر به عرضه گاز باشد روسیه می‌تواند آن را خریداری نماید.^۲ در مجموع اعلام شده است که شرکت گاز پروم قصد دارد میزان گاز خریداری شده از جمهوری آذربایجان

1. SOCAR
2. "Azerbaijan: Baku Set to Quadruple gas Exports to Russia by 2011", Eurasia Insight, 22/1/2010.



را در سال ۲۰۱۱ دو برابر نماید که این مسئله کنترل روسیه بر بخش بزرگی از منابع دریای خزر را در میان رقابت فزاینده با خریداران اروپایی امکانپذیر می‌کند.^۱

کارشناسان با توجه به سابقه سیاست خارجی غرب‌گرایانه جمهوری آذربایجان در دوره پس از فروپاشی و نقش مهم این جمهوری در پیشبرد طرح‌های ترانزیتی مورد حمایت غرب، توافقات اخیر باکو و مسکو را تحولی مهم در ترتیبات و معادلات انرژی منطقه ذکر می‌کنند. به عقیده آنها علاقه شرکت گاز پروم برای خرید گاز آذربایجان از تمایل برای جلوگیری از ساخت مسیرهای جدید صادرات انرژی که موقعیت روسیه را نادیده گرفته و نفوذ مسکو در بازار اروپا را محدود می‌سازند نشئت می‌گیرد. یکی از این پروژه‌ها، خط لوله گازی ناباکو است که به واسطه تریدهای مطرح در مورد تأمین مالی، سودآوری و وجود عرضه‌کنندگان مطمئن برای مدتی طولانی متوقف شده بود. آذربایجان از حامیان پروژه ناباکو بوده است اما اشتیاق باکو برای افزایش صادرات به روسیه نشانه‌ای از این واقعیت است که سیاستمداران آذری در حال از دست دادن باور خود در این مورد هستند که ناباکو در نهایت بتواند بر موانع فراروی خویش فائق آید. به همین دلیل برخی کارشناسان تمایل این جمهوری به افزایش صادرات گاز به روسیه را نشانه‌ای از چرخش در سیاست خارجی باکو در حوزه انرژی قلمداد کرده‌اند. این چرخش به روسیه کمک خواهد کرد تا موضع قوی خود را در بازار انرژی حوزه خزر حفظ کند.^۲

چرخش در سیاست آذربایجان نسبت به مسائل انرژی منطقه خصوصاً

1. "Gazprom to Double Azeri Gas Purchases in 2011", The Moscow Times", 22 January, 2010.
2. "Azerbaijan: Baku Set to Quadruple Gas Exports to Russia by 2011", Op.Cit.



استراتژی صادراتی این کشور با توجه به اتفاقات دیگری نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. علاوه بر روسیه، جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان مشتری گاز آذربایجان مطرح شده است. در دسامبر ۲۰۰۹، جمهوری آذربایجان توافقی را با ایران برای صدور گاز از طریق خط لوله ۱۴۰۰ کیلومتری قاضی - عاگومد - آستارا به امضا رساند.^۱ پیشتر در ماه نوامبر شرکت نفت دولتی آذربایجان (سوکار) موافقت کرده بود که از سال ۲۰۱۰ کمتر از ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز به ایران منتقل نکند. در عین حال به گفته یکی از مقامات این شرکت حجم دقیق گاز صادراتی آذربایجان به ایران به زیرساخت‌های خطوط لوله دو کشور بستگی خواهد داشت.

علاوه بر ایران، جمهوری آذربایجان با بلغارستان نیز توافقاتی به‌عمل آورده است. در ۱۳ نوامبر ۲۰۰۹ الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان با صادرات یک میلیون مترمکعب گاز به بلغارستان بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ موافقت کرد. این موافقتنامه همچنین اجازه صادرات گاز مایع به بلغارستان را می‌دهد که مسیری متفاوت از مسیرهای سنتی خطوط لوله آذربایجان برای تحویل گاز به اروپا از طریق گرجستان و ترکیه است.^۲

به‌طور هم‌زمان و در تحولی دیگر شاهد بروز مشکلاتی در روابط انرژی میان جمهوری آذربایجان و ترکیه هستیم. این اختلافات عمدتاً مربوط به قیمت گاز صادراتی آذربایجان به ترکیه بوده است. باکو و آنکارا علیرغم اینکه از آوریل ۲۰۰۸ درخصوص این موضوع مذاکره داشته‌اند اما نتوانستند به توافقی دو‌جانبه در این

1. Bhadrakumar, Op.Cit.
2. Shahin Abbasov, "Azerbaijan: Baku Sees Turkey as Tough Customer on Gas Exports", Eurasia Insight, 17/11/2009.



زمینه دست یابند. آذربایجان مدعی است که ۱۲۰ دلاری که ترکیه بابت هر هزار مترمربع گاز می‌پردازد قیمتی است که در سال ۲۰۰۱ تعیین شده و ۳۰ درصد پایین‌تر از قیمت بین‌المللی است و با جریان تازه تولید گاز که از مرحله دوم حوزه گازی شاه دنیز تأمین می‌شود سازگار نیست باکو در پی آن است که مبلغ پرداخت شده از سوی ترکیه را به بیش از دو برابر یعنی ۲۵۰ دلار بابت هر هزار مترمربع افزایش دهد.^۱

در ۲۹ اکتبر ۲۰۰۹ وزیر انرژی ترکیه در مصاحبه با سی.ان.ان اظهار داشت که قیمتی که ترکیه برای گاز حوزه شاه دنیز می‌پردازد به‌عنوان بخشی از مجموعه‌ای مرتبط با قیمت ترانزیت گاز آذربایجان که از طریق خطوط لوله ترکیه به اروپا می‌رسد مورد مذاکره قرار می‌گیرد. آنکارا پیشنهاد داده است که باکو یک قیمت رقابتی عادلانه را بابت ترانزیت گاز خود از خاک ترکیه پرداخت کند.^۲

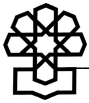
درواقع اختلافات دو کشور هم مربوط به میزان پرداخت ترکیه به آذربایجان بابت واردات گاز از این جمهوری است و هم مربوط به حق ترانزیت ترکیه از عرضه گاز آذربایجان به اروپا. این درحالی است که دو کشور هنوز در مورد تمام جوانب مربوط به عرضه گاز آذربایجان به توافق نرسیده‌اند. رئیس شرکت نفت دولتی آذربایجان در جدیدترین اظهارنظر خود اعلام داشته است که باکو و آنکارا به مذاکرات خود در مورد قیمت گاز ادامه می‌دهند و تعیین زمان امضای موافقتنامه نهایی میان دو کشور در مورد این موضوع هنوز زود است.^۲

نکته مهم درخصوص اختلافات جمهوری آذربایجان و ترکیه در زمینه انرژی

1. Ibid.

2. Ibid.

3. "Azerbaijan, Turkey Yet to Agree Gas Prices", www.news.az, 1 March, 2010.



مربوط به ارتباط این موضوع با مسائل سیاسی و به‌ویژه تحولات سیاست خارجی ترکیه در سال‌های اخیر است. بسیاری از کارشناسان انتقادات آذربایجان نسبت به قیمت پایین گاز خریداری شده از سوی ترکیه و نیز روی آوردن این جمهوری به سایر مشتریان را بازتابی از ناراحتی و نگرانی فزاینده باکو از تصمیم آنکارا برای بهبود روابط سیاسی خود با جمهوری ارمنستان می‌دانند. شکی نیست که اقدام ترکیه در امضای پروتکل‌های احیای روابط با دشمن آذربایجان یعنی ارمنستان مقامات باکو را به شدت عصبانی کرده است. براساس این کارشناسان اعتقاد دارند که اختلاف دو کشور بر سر گاز نشئت گرفته از مسائل سیاسی است. دقیقاً بر همین اساس بود که الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان در اکتبر گذشته اعلام کرده بود که با توجه به بن‌بستی که بر سر توافق با آنکارا به‌وجود آمده است، این جمهوری گزینه‌های صادراتی جایگزین، از جمله روسیه، ایران و بلغارستان را مد نظر قرار خواهد داد.^۱

بلافاصله پس از این اظهارنظر بود که توافقات جدید با هر سه کشور درخصوص صادرات گاز به‌عمل آمد. همچنان‌که مورد اشاره قرار گرفت این امر از سوی کارشناسان و تحلیلگران به‌عنوان نشانه قابل تأییدی از چرخش آشکار سیاست آذربایجان در حوزه مسائل انرژی قلمداد می‌شود. این چرخش بیش از هر چیز به موضع منفی باکو در قبال نزدیکی ترکیه به ارمنستان مربوط می‌شود. درواقع آذربایجان با اتخاذ چنین رویکردی قصد انتقال این پیام را به ترکیه دارد که اگر این کشور مایل به لحاظ حساسیت‌های منطقه‌ای باکو نیست این جمهوری نیز ملاحظات منطقه‌ای ترکیه را که تبدیل شدن به کریدور اصلی انتقال انرژی حوزه خزر یکی از

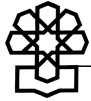
1. Abbasov, Op.Cit.



مهمترین آنهاست مورد توجه قرار نخواهد داد. به‌ویژه آنکه ترکیه برای رسیدن به این هدف مهم حساب ویژه‌ای روی آذربایجان باز کرده است.

براین اساس و با توجه به شرایط جدیدی که در اثر سیاست‌های جدید آذربایجان در منطقه به‌وجود آمده است، تردیدهای قابل تأملی درخصوص آینده طرح‌هایی همچون پروژه ناباکو که با هدف تبدیل ترکیه به مسیر اصلی انتقال انرژی منطقه به اروپا طراحی شده‌اند مطرح شده است. به اعتقاد کارشناسان تعهدات جمهوری آذربایجان در زمینه صدور گاز به کشورهای دیگر، موقعیت این جمهوری را به‌عنوان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی گاز برای پروژه ناباکو تضعیف خواهد کرد. این امر یقیناً منافع ترکیه در حوزه انرژی منطقه را با چالش مواجه می‌کند.

از ابتدای شکل‌گیری تلاش‌ها در ترکیه برای بهبود روابط با ارمنستان بسیاری از کارشناسان نسبت به تأثیر این سیاست بر روابط آنکارا با باکو هشدار می‌دادند. از جمله، این احتمال مطرح می‌شد که با تسریع روند نزدیکی ترکیه به ارمنستان و مذاکره مقامات دو کشور برای بهبود روابط، جمهوری آذربایجان با ابراز نارضایتی نسبت به این روند در برخی از سیاست‌های منطقه‌ای خود که با منافع ترکیه ارتباط دارند تجدیدنظر کند. ملاحظات باکو در حوزه انرژی که اتکای خاصی به ترکیه داشت از جمله مهمترین این سیاست‌ها بود. اکنون کارشناسان توافقات آذربایجان با ایران و روسیه را در زمینه گاز واکنش قابل پیش‌بینی این جمهوری نسبت به سیاست خارجی آنکارا در قبال ارمنستان می‌دانند. این موضوع خود از مهمترین تحولات منطقه در حوزه مسائل انرژی به حساب می‌آید.



۲. معماری نوین سیاست انرژی در حوزه خزر

بسیاری از تحلیلگران مجموعه تحولاتی که در چند ماه اخیر در حوزه انرژی خزر به انجام رسیده است را در راستای شکل‌گیری ترتیبات جدیدی در منطقه قلمداد می‌کنند که عمدتاً با منافع و ملاحظات بازیگران سنتی منطقه نظیر روسیه و ایران سازگاری داشته است. البته آغاز شکل‌گیری روندهای جدید در منطقه به وقایع سال ۲۰۰۸ خصوصاً جنگ روسیه با گرجستان نسبت داده می‌شود. به نظر می‌رسد که مجموع اتفاقات حادث در منطقه از آن زمان تاکنون به ضرر منافع غرب در حوزه انرژی خزر پیش رفته است. جنگ آگوست ۲۰۰۸ در قفقاز واقعیات استراتژیک جدیدی را که در این حوزه شکل گرفته است آشکار کرد. این واقعیات از سیاست‌های روسیه نشئت گرفته و منافع استراتژیک غرب در منطقه را تضعیف کرده است.^۱ این جنگ، پیام مهمی را به رقبای روسیه در منطقه منتقل کرد مبنی بر اینکه مسکو برای دفاع از منافع خود در حوزه خارج نزدیک^۲ از جمله در بخش انرژی، در بالاترین سطح آمادگی دارد. از سوی دیگر این جنگ ناامنی فزاینده در منطقه‌ای که غربی‌ها برای انتقال انرژی خزر روی آن حساب ویژه‌ای باز کرده بودند را به اثبات رساند. جنگ روسیه با گرجستان به زیرساخت‌های انتقال انرژی منطقه آسیب نزد اما «مدیریت ریسک»^۳ را در منطقه تغییر داد. به‌عنوان مثال با آغاز جنگ در ماه آگوست، خط لوله باکو - تفلیس - جیهان که با حمایت غرب طراحی و راه‌اندازی شده بود از ادامه کار باز ماند.

1. Mamuka Tsereteli, "The Impact of the Russian – Georgia War on the South Caucasus Transportation Corridor", Jamestown Foundation, 4/3/2009.

2. Near Abroad

3. Risk Assessment

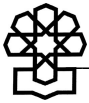


در اوج جنگ، قزاقستان انتقال نفت از طریق بندر باتومی^۱ گرجستان را به حال تعلیق درآورد.^۲ همچنین در ماه سپتامبر قزاقستان تعلیق پروژه تصفیه نفت در باتومی را اعلام کرد.^۳ این جنگ کشورهای اروپایی را نیز نسبت به محاسبات خود برای لحاظ گرجستان به عنوان یکی از گزینه‌های مطمئن و امن جهت انتقال انرژی حوزه خزر به این کشورها دچار تردید کرد. در مجموع جنگ آگوست ۲۰۰۸ بار دیگر پایین بودن ضریب امنیتی مسیر مورد حمایت غرب برای انتقال انرژی خزر را به تصویر کشید و این ناامنی را تشدید کرد. از این رو جنگ گرجستان به عنوان تحولی مهم در حوزه مسائل انرژی خزر قلمداد می‌شود و تحلیل‌ها حاکی از آن است که این جنگ در کنار تحولات بعدی به‌ویژه تحولات چندماه اخیر شرایط منطقه را به نفع بازیگرانی چون ایران و به‌ویژه روسیه و به ضرر کشورهای غربی تغییر داده است.

در این میان برخی کارشناسان توافقات اخیر میان ترکمنستان را روسیه و ایران، توافقات آذربایجان با روسیه و ایران و حتی تصمیم ترکمنستان برای صادرات گاز به چین را دارای پیامدهای قوی برای نظام امنیتی منطقه قلمداد می‌کنند. براساس این شاهد یک الگوی جدید همکاری در حوزه انرژی در سطح منطقه‌ای هستیم که بنابر برخی اظهارنظرها به رهبری روسیه در حال اجراست.

تحولات اخیر همچنین شکستی برای استراتژی آمریکا در منطقه توصیف شده است. دیپلماسی خط لوله آمریکا در حوزه خزر که به دنبال نادیده گرفتن روسیه و دور زدن این کشور، کنار گذاشتن چین و منزوی کردن ایران بود با شکست مواجه

1. Batumi
2. Nargis Kassenova, Kazakhstan and the South Caucasus Corridor in the Wake of the Georgia – Russia War, EUCAM, No.3, January 2009.
3. "Analysis: is Kazakhstan Disengaging From Georgia?" Silkroadintelligencer.com, 16 October 2008.



شده است. روسیه در حال حاضر در حال برنامه‌ریزی برای دو برابر کردن واردات گاز از آذربایجان است که این امر تلاش‌های غرب برای عرضه گاز این جمهوری از طریق ناباکو را دچار مشکل می‌کند. به موازات روسیه، ایران هم به یک خریدار گاز آذربایجان تبدیل می‌شود.^۱ چین نیز خط لوله واردات گاز از ترکمنستان را افتتاح کرده است. این تحولات ناکامی سیاست‌های آمریکا در منطقه را به تصویر می‌کشد و به‌طور همزمان سمفونی روسیه، چین و ایران را در حوزه انرژی خزر به نمایش می‌گذارد.

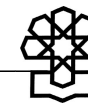
نتیجه‌گیری

سال ۲۰۰۹ میلادی سال مهمی برای معادلات انرژی در حوزه خزر بود. هرچند امضای قرارداد احداث خط لوله ناباکو در این سال برخی گمانه‌زنی‌ها را درخصوص احتمال توقف روند تضعیف موقعیت غرب در منطقه - که از زمان منازعه روسیه و گرجستان تشدید شده بود - مطرح می‌کرد اما تحولات بعدی که در این گزارش مورد اشاره قرار گرفت نشان داد که ترتیبات جدیدی در منطقه به ضرر بازیگران غربی در حال شکل‌گیری است. این ترتیبات جدید در مجموع سازگاری بالایی با منافع و علایق بازیگران سنتی منطقه دارد و بر تقویت موقعیت آنها در معادلات انرژی خزر دلالت می‌کند. می‌توان اظهار داشت که نقشه انرژی اوراسیا و حوزه خزر عملاً در حال ترسیم مجدد است و صورتبندی تازه‌ای از صف‌آرایی بازیگران فعال در ترتیبات انرژی منطقه در حال شکل‌گیری است. به نحوی که در معادلات جدید، مهمترین بازیگر تأثیرگذار بر پیشبرد طرح‌های انرژی غرب در حوزه خزر یعنی جمهوری آذربایجان

1. Bhadrakumar, Op.Cit.



- 16 October 2008.
7. "Azerbaijan: Baku Set to Quadruple gas Exports to Russia by 2011", Eurasia Insight, 22/1/2010.
 8. "Azerbaijan, Turkey Yet to Agree Gas Prices", www.news.az, 1 March, 2010.
 9. "Gazprom to Double Azeri Gas Purchases in 2011", The Moscow Times", 22 January, 2010.
 10. "Iran Redraws Energy Map to Defy U.S", United Press International, January 14, 2010.



در چرخش ژئوپلیتیکی آشکار به سمت تقویت همکاری‌ها با روسیه و ایران روی آورده است. اقدامات مسکو و تهران در توسعه مناسبات خود با کشورهای منطقه در بخش انرژی نیز تأثیر بسزایی در تقویت موازنه موجود به نفع آنها داشته است. به‌ویژه اقدام کشورمان در افتتاح خط لوله دوم صادرات گاز ترکمنستان به ایران تحولی مهم به‌شمار می‌رود به‌نحوی که بسیاری از تحلیلگران در تشریح عوامل مؤثر در شکل‌گیری ترتیبات جدید انرژی در منطقه از آن به‌عنوان یکی از مهمترین متغیرها یاد می‌کنند. از این‌رو این اقدام گذشته از اهمیت اقتصادی آن، دستاورد ژئوپلیتیکی قابل توجهی برای ایران محسوب می‌شود و موفقیت مهمی در حوزه سیاست خارجی به حساب می‌آید. طبعاً از طریق توجه بیشتر به فرصت‌های فراروی کشور در حوزه انرژی خزر و تقویت استراتژی «نگاه به شمال» در تنظیم سیاست خارجی می‌توان زمینه استمرار این قبیل دستاوردها را فراهم ساخت.

منابع و مآخذ

1. Abbasov Shahin, "Azerbaijan: Baku Sees Turkey as Tough Customer on Gas Exports", Eurasia Insight, 11/17/2009.
2. Bhadrakumar. MK, "Russia, China, Iran Redraw Energy Map", Asia Times, January 8, 2010.
3. Gente Regis, "Turkmenistan: Western Firms Shut Out From Development Deals", Eurasia Insite, 1/04/2010.
4. Kassenova Nargis, Kazakhstan and the South Caucasus Corridor in the Wake of the Geovgia – Russia War, EUCAM, No.3, January 2009.
5. Tsereteli Mamuka, "The Impact of the Russian – Georgia War on the South Caucasus Transportation Corridor", Jamestown Foundation, 4/3/2009.
6. "Analysis: is Kazakhstan Disengaging From Georgia?" Silkroadintelligencer.com,



شماره مسلسل: ۱۰۲۰۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحولات ژئوپلیتیک انرژی در حوزه خزر

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: مهدی امیری

ناظر علمی: محمد جمشیدی

متقاضی: معاونت پژوهشی

سرپرستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی:

۱. خزر

۲. انرژی

۳. گاز

۴. خط لوله

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۲/۴